

Little Miss Muffet

Retold by Russell Punter

ماڦٽ خانم ڪوچوله

بازنویسی: راسل پانتر

تصویرگر: لورنا آلوارز



Illustrated by Lorena Alvarez

Reading consultant: Alison Kelly
Roehampton University

Little Miss Muffet,
sat on a tuffet,

مافت خانم کوچولو، روی یک
صندلی کوتاه نشسته بود،

eating her curds
and whey.

و داشت سرشیر و گشک آش را می خورد.



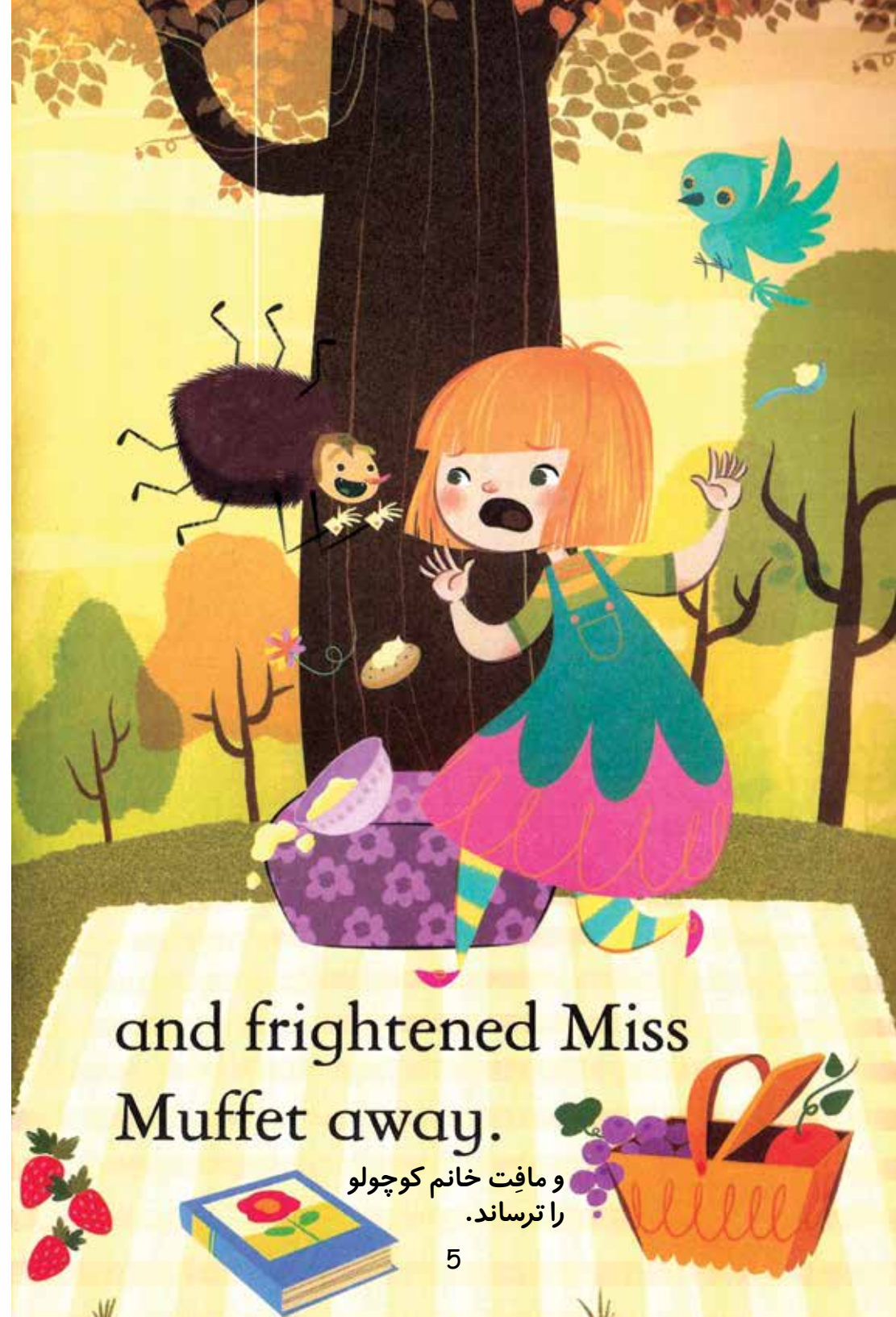
Along came a
spider,

یک عنکبوت آمد،



who dropped down
beside her

و افتاد کنارش

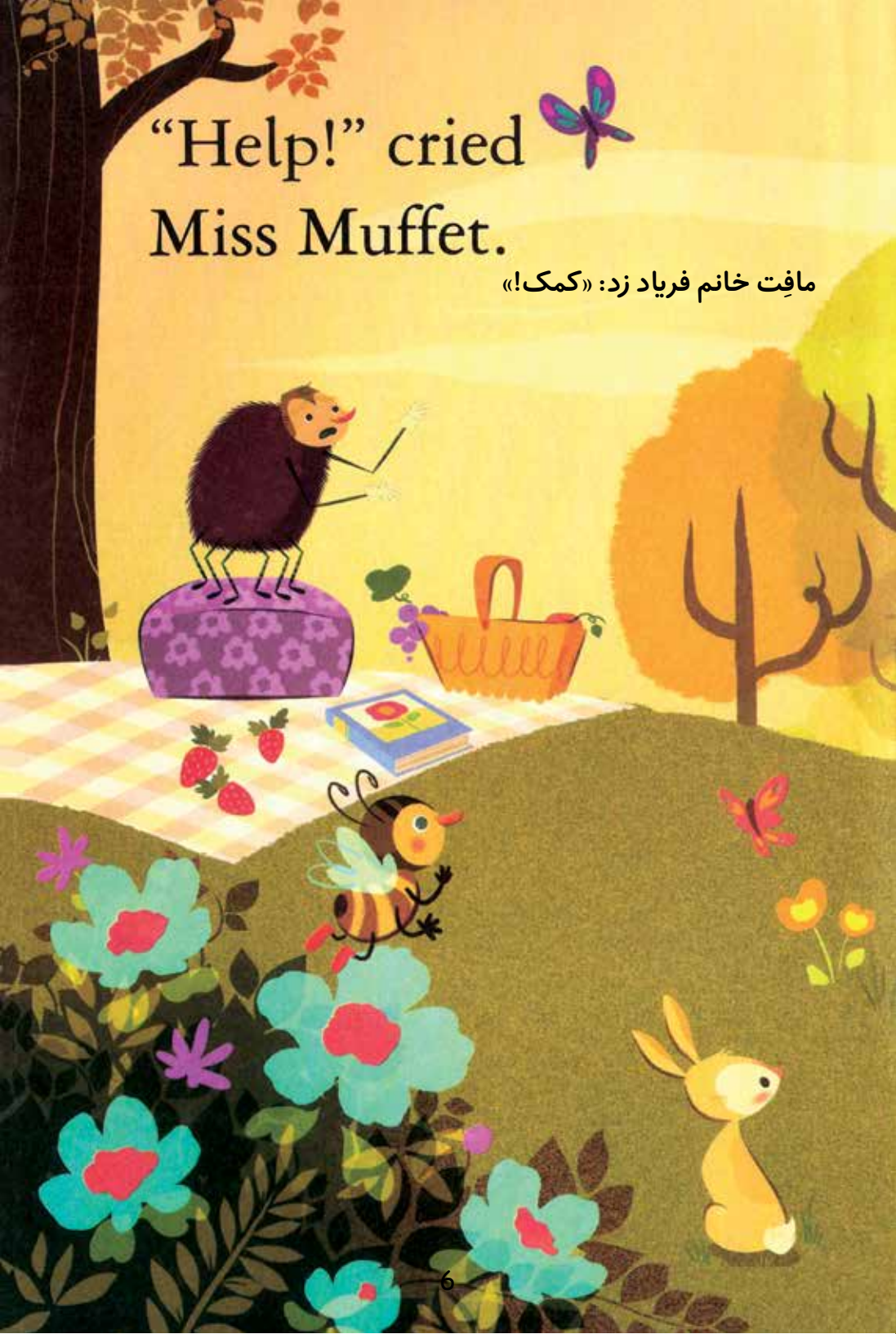


and frightened Miss
Muffet away.

و مافیت خانم کوچولو
را ترساند.

“Help!” cried
Miss Muffet.

مافت خانم فریاد زد: «کمک!»

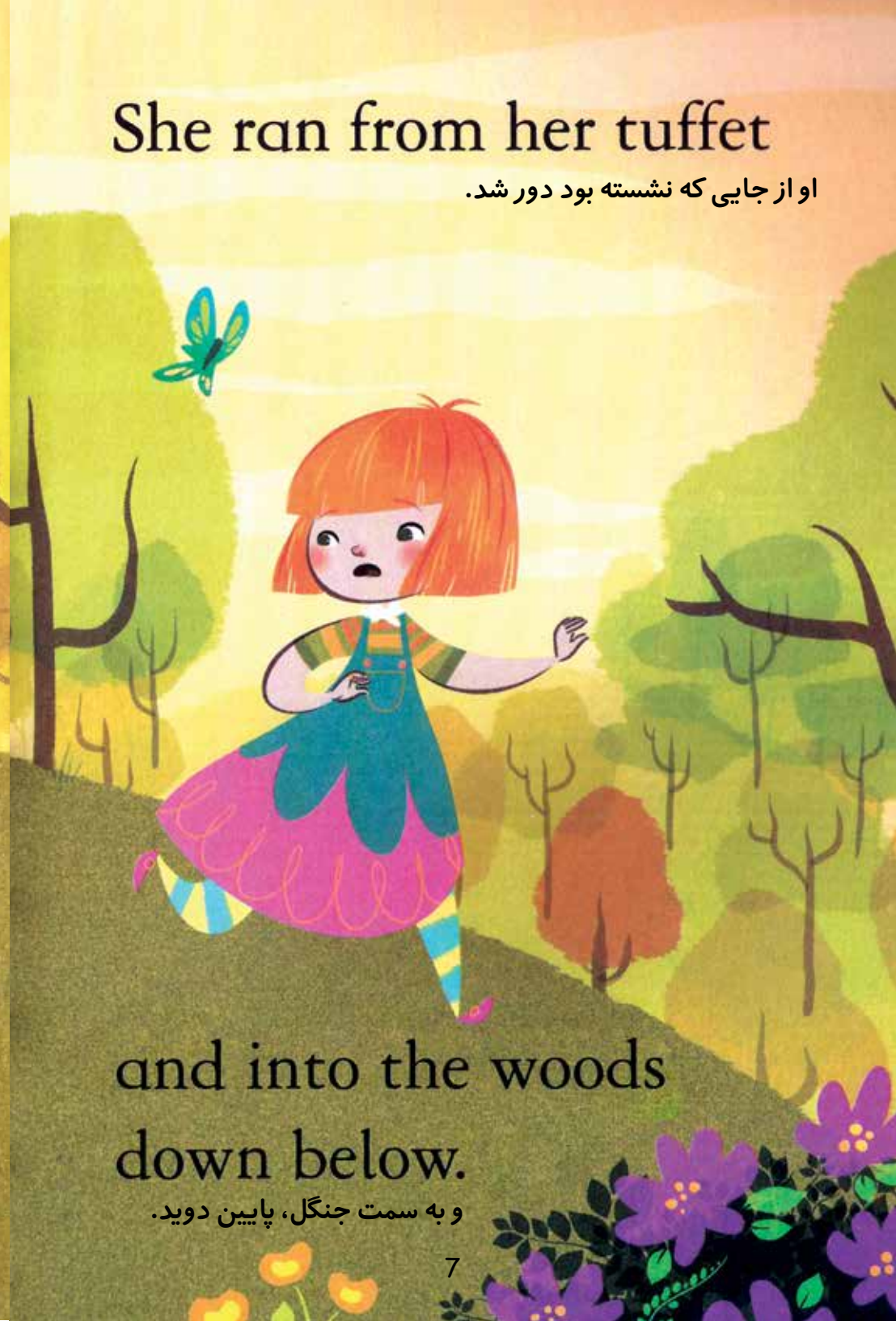


She ran from her tuffet

او از جایی که نشسته بود دور شد.

and into the woods
down below.

و به سمت جنگل، پایین دوید.



“Come back!” called
the spider.

عنكبوت صدایش زد: «برگرد.»



He rushed off
to find her.

باعجله رفت تا او را پیدا کند.

“I’m sorry for scaring
you so.”

عنكبوت: «معذرت می خواهم که تو را ترساندم.»

